

تجمل و لوکس گرایی در انتخاب سنگ قبر

مردن، به سبک نوکیسگی

گورستان می تواند آداب و سنت های جوامع را در حوزه های مربوط به مرگ، کفن و دفن و نوع عزاداری و خاک سپاری به تصویر بکشد. بروز و ظهور آداب سوگواری، موسیقی، آواهای عزاداری، شکل ها و محتوای مراسم و همچنین مطالعه سنگ نوشته ها و اشکال روی قبور می تواند نوع نگرش و ارزش های برجسته جوامع را نمایان کند، اما پرسش اساسی این است که چرا گورستان ها این امکان را به ما می دهند؟



آذر فخری، روزنامه نگار

زندگی کردن و زنده ماندن ارزان تر است، یا مردن؟

خوب، می دانم که اصلا شروع خوبی نیست. آخرین چه سوالی است؟ معلوم است که زندگی کردن و زنده بودن با همه سختی ها و در دسر هایش، بهتر از مردن و در این جا نبودن است. در این جا نبودن، یعنی دور از عزیزان بودن و از آن هایی خبر ماندن و این که هر روز و هر شب، آن جا زیر خاک استخوان هایت برای عزیزات بلرزد؛ این را مادربزرگ های ما می گویند! اما این روزها اگر به مراسم ختم و عزاداری و تشییع رفته باشید، حتما فهمیده اید که هزینه زندگی کردن و زنده ماندن، خیلی ارزان تر از مردن است. داستان مردن، به جایی رسیده است که آدم به هر ضرب و زور که شده، باید سعی کند زنده بماند تا هزینه کفاف تشییع و تدفین بردوش نزدیکان نیفتد. این را از یک گردش و پرسه زنی ساده در بهشت زهرا یا هر گورستان دیگری می توان فهمید؛ به سنگ قبرها نگاه کنید، آن ها با آدم حرف می زنند. آن ها می گویند آن کسی که این پایین خوابیده، احتمالاً زندگی خیلی مجلل و لوکسی هم نداشته، اما با ماندگانش، برایش در مورد محل دفن و سنگ و قبر و سایر اکسسوار سنگ، حسابی دست بالا را گرفته اند و سنگ تمام گذاشته اند. احتمالاً این پدر یا مادری که آن پایین در آرامش ابدی خفته،

زمانی که زنده بود، چندان مورد لطف فرزندان نبوده، اما حالا که مرده، با یک سنگ قبر گرانبیستی خوش نویسی شده، با طرح حرمی، با چند بیت شعر و با چاپ لیزری عکسش روی سنگ، از خجالتش در آمده اند؛ پس واقعا این جاست که می توان گفت: آسوده بخواب که فرزندان برای چنین تجملاتی، حسابی به خرج و قرض افتاده اند!

مردن؛ وجه دیگری از زندگی

گورستان می تواند آداب و سنت های جوامع را در حوزه های مربوط به مرگ، کفن و دفن و نوع عزاداری و خاک سپاری به تصویر بکشد. بروز و ظهور آداب سوگواری، موسیقی، آواهای عزاداری، شکل ها و محتوای مراسم و همچنین مطالعه سنگ نوشته ها و اشکال روی قبور می تواند نوع نگرش و ارزش های برجسته جوامع را نمایان نماید. اما پرسش اساسی این است که چرا گورستان ها این امکان را به ما می دهند؟ رضا پورناصرانی کارشناس ارشد ارتباطات اجتماعی، چنین توضیح می دهد: گورستان ها روایت گر تاریخ شهر، تمدن و سازندگان آن هستند. این عرصه های تاریخی، محملی برای اجتماع نشانه ها و یادمان ها به شمار می روند و از این رو بیناگر رویکرد انسان های گذشته به مهم ترین پرسش حیات؛ یعنی زندگی و مرگ می باشند. گورستان ها، همچنین دفترچه کدهای اطلاعاتی (درخت زنتیک) و شهرها و سکونت گاه های انسانی و

وجود عناصر فرهنگی و آمیزش آن با عناصر مکان های و بیزهای میدل می سازد که می توان از آن ها به مثابه محیط های تاریخی - فرهنگی یاد کرد

گورستان ها، سبب شده تا بتوان گورستان ها را در چارچوب مناظر فرهنگی اصیل و تداوم یافته که حامل پیام های روشن و غیر قابل تغییر برای آیندگان هستند، مورد بررسی قرار داد. از طرف دیگر در نگرش سیستماتیک به شهر به مثابه یک سیستم، گورستان ها جزء جدایی ناپذیر سکونت گاه های انسانی و آخرین حلقه از زیرسیستم هایی است که فرد در طول چرخه زیستی خود آن را تجربه می کند. وجود چنین ماهیتی سبب شده تا از گورستان ها به عنوان «آخرین منظر» یاد شود. با همین نگرش آخرین منظر می تواند پیام دهنده و تاثیر گذار باشد. پورناصرانی معتقد است: در دوران معاصر، ما با وجه دیگری از زندگی روبرویم جامعه ایرانی مواجهیم. وجه هویتی و بالا بردن طبقه اجتماعی از طریق ظاهر سنگ قبور، رنگ، نوع خط آن، که کاملاً قابل مشاهده است. نوشتن شغل متوفی، نوع پوشش متوفی نیز برای هویت دهی بیشتر متوفی و باز ماندگان نشان می دهد که این وجه از مسیر زندگی هم دارد برای

خودش و هم برای انسان ایرانی، مسئله و معضل می شود. همچنین مالکیت این قبرها و سنگ شان، فردگرایی دوران معاصر در جامعه ایرانی را بیشتر نشان می دهد. به عبارتی تمامی نشانه ها حاکی از تغییر سبک زندگی در میان افراد جامعه، و ورود هویت بخشی جدید، بالا بردن طبقه اجتماعی و ساختن یک منزلت اجتماعی جدید است. سنگ قبر و تمامی نشانه ها، بازنمایی کاملی است از تغییرات فرهنگ اجتماعی مردم از دهه هفتاد تا به امروز؛ تجمل گرایی، استفاده از خطوط درشت تر و سنگ هایی در ابعاد بزرگتر و همچنین تصاویر متوفی و استفاده از رنگ در سنگ نوشته ها و تصویر، تغییر سبک زندگی جامعه را نشان می دهد.

سنگ قبر؛ چینی یا نانو؟

آن هایی که کار و بارشان سنگ قبر است و در این کار استخوان تر کانداند، برای صاحب عزاء، پیشنهادهایی مختلفی می دهند، پیشنهادهایی که نه با جیب او، بلکه با میزان چشم و هم چشمنی بسا دیگران ارتباط مستقیم دارد. یک متخصص امر در این زمینه می گوید سنگ قبر داریم از ۵ میلیون تا ۶۰ میلیون تومان. سنگ های گرانبیستی ایرانی، بسته به رنگ شان، گران تر و با دوام ترند، اما سنگ قبرهای چینی با قیمت مناسب و همین طور سنگ قبرهای نانو هم داریم که هم مقاوم هستند و هم نسبت به همه سنگ های دیگر از ان تر، تر، حال به صاحب عزایستگی دارد که چه سنگی با چه طرح و مدلی و با چه اندازه ای انتخاب کند. تمام این ها روی قیمت تاثیر دارد. هر چند که سازمان بهشت زهرا، از نصب سنگ قبرهای تجملاتی و بزرگ، جلوگیری می کند، اما کسی گوشش به این حرف ها بدهکار نیست. و سنگ قبر تراشی این روزها برای خودش تبدیل شده هم به یک «هنر» و هم به یک تجارت نشان و آبدار که دلالی ها و واسطه گری های خاص خودش را هم دارد!

متغیرهای جدید در انتخاب سنگ قبر

یک پژوهش دانشگاهی، با توجه به ویژگی های فردی و اجتماعی، به نتایج جالب توجهی در زمینه انتخاب سنگ قبر، رسیده است. انتخاب سنگ قبر، ارتباط مستقیمی دارد با ارزش های فردی و نیز ارزش های اجتماعی. ارزش های فردی از ارزش هایی هستند که یک فرد به آن پایبند است و ممکن است از نظر فرد دیگری این عمل دارای ارزش نباشد. آن ها اشیاء یا عقایدی هستند که به طور فردی مورد توجهند و در سطح کلی جامعه ارزش ندارند. ارزش های اجتماعی هم آن دسته از واقعیات و اموری است که نیاز مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می کند و برای یک گروه و یا یک طبقه

سنگ قبر و تمامی نشانه ها، بازنمایی کاملی است از تغییرات فرهنگ اجتماعی مردم از دهه هفتاد تا به امروز؛ تجمل گرایی، استفاده از خطوط درشت تر و سنگ هایی در ابعاد بزرگتر و هم چنین تصاویر متوفی و استفاده از رنگ در سنگ نوشته ها و تصاویر، تغییر سبک زندگی جامعه را نشان می دهد

مورد احترام و ارزشمند است. ارزش به معنای «تلقی خوب یا بد یک فرد از یک چیز» است. به عبارتی دیگر ارزش آن چیزی است که از نظر فرهنگی، خوب و مطلوب و مناسب، یا بد و غیر مطلوب و نامناسب تلقی می شود. ارزش ها بر رفتار افراد اثر می گذارند و به عنوان ضابطه ای برای ارزیابی اعمال دیگران مورد استفاده قرار می گیرند. معمولاً رابطه مستقیمی میان ارزش ها و نحوه عکس العمل جامعه وجود دارد. حالا با این تعاریف به متغیرهای نوین انتخاب سنگ قبر نگاه کنیم و بگذریم:

۱. سنگ ها از سادگی در آمده و نوع سنگ تجملاتی تر شده است.
۲. ابعاد سنگ ها بزرگ تر و جذاب تر شده است.
۳. بیشتر از رنگ مشکی برای سنگ ها استفاده شده است.
۴. برای بانوان از تصاویر استفاده شده است.
۵. تصاویر استفاده شده از متوفی بر روی سنگ قبور بزرگ تر شده است.
۶. تصاویر آقایان در ابعاد بزرگ تر حک شده است.
۷. تصاویر متوفی در مورد آقایان در برخی موارد با کراوات حک شده است.
۸. تصاویر متوفی در برخی موارد به صورت رنگی به کار برده شده است.
۹. هنر خطاطی در نوشتن نام و به طور کلی متون سنگ نوشته ها بیشتر استفاده شده است.
۱۰. از شعر نو در سنگ نوشته ها بیشتر استفاده شده است.
۱۱. شغل و یا حرفه متوفی با ذکر پیشوند و یا تصویر مشخص شده است.
۱۲. (م) مالکیت برای عنوان مادر و پدر در دهه دوم ذکر می شود یعنی روی سنگ قبر عنوان (مادر م) به جای مادر و (پدر م) به جای پدر ذکر می شود.
۱۳. رنگ در سنگ نوشته ها و تصاویر اضافه شده است.
۱۴. استفاده از رنگ سبز و قرمز بیشتر دیده می شود.
۱۵. در استفاده از نام انچه و بزرگان مذهب شیعه نسبت به دهه اول کمتر دیده می شود.

از گوشه و کنار

فقر ریشه وقوع فجایع خانوادگی است



دستیار ویژه رئیس جمهور در امور شهروندی ریشه فجایی هم چون قتل های خانوادگی را فقیر دانست و گفت: مسئولان و متولیان در این زمینه دست روی دست نگذارند. جامعه نباید به نحوی مدیریت شود که روز به روز شاهد افزایش چنین فجایی باشیم. شهیندخت مولاردی دستیار ویژه رئیس جمهور در امور شهروندی در واکنش به قتل های خانوادگی اخیر و پدیده همسرکشی و دخترکشی، گفت: این ها را نمی توانیم، تعمیم دهیم و بگویم پدیده است و شایع شده، این مسائل به صورت موردی اتفاق می افتد و حتی ممکن است، برخی مواقع یک زن، شوهرش را بکشد. این مساله حتی یک موردش هم زیاد و در دناک است و برای جامعه ما که داعیه عدالت اجتماعی و حکومت دینی دارد، زیاد است. به نظر من ریشه بیشتر این فجایع در فقر است. وی تصریح کرد: البته فقر فرهنگی در این زمینه نیز جای خودش را دارد و آسیب های ناشی از فقر از جمله اعتیاد نیز به این امر دامن می زند. این ها شاید حادثه نباشد، اما من نامش را فاجعه می گذارم؛ مثل فاجعه چند روز گذشته که زنی توسط شوهرش به خاطر گرفتن حق طبیعی اش (مهریه) به آن شکل فجیع به قتل رسید. مسئولان و متولیان امر در باره فجایع پیش آمده دست در دست نگذارند. جامعه نباید به نحوی مدیریت شود که روز به روز شاهد افزایش چنین فجایی باشیم.

دانشگاه ها نسبت به حل معضلات اقدام کنند



قائم مقام وزیر علوم و رئیس مرکز هیأت های انما و هیأت ممیزه مرکز وزی علوم با بیان این که دانشگاه ها با اثر گذاری اجتماعی که دارند می توانند نسبت به حل معضلات منطقه خود اقدام کنند، اظهار داشت: این موضوع یکی از مطالبات جدی است که در سطح کلان در آموزش عالی شکل گرفته است. عبدالباقری اظهار کرد: دانشگاه ها باید به مسائل و مشکلاتی که پیرامون شان وجود دارد توجه کنند. باقری با بیان این که دانشگاه ها با اثر گذاری اجتماعی که دارند می توانند نسبت به حل معضلات منطقه خود اقدام کنند، اظهار داشت: این موضوع یکی از مطالبات جدی است که در سطح کلان در آموزش عالی شکل گرفته است.

۱۵ میلیارد تومان، هزینه سالانه دو سامان سرای پایتخت

معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با بیان این که هزینه نگهداشت هر مددجو در سامان سرای پایتخت روزانه ۱۵۵ هزار تومان است، گفت: به طور کلی، مدیریت شهری سالانه بیش از ۱۵ میلیارد تومان برای سامان سرای های لویزان و اسلامشهر هزینه می کند. ولی الله شجاع پوریان ضمن بیان این مطلب با بیان این که سامان سرای های شهرداری تهران مددجویانی را که هیچ یک از سازمان ها از جمله بهزیستی حاضر به پذیرش نیستند نگهداری می کنند، اظهار کرد: در حال حاضر ظرفیت سامان سرای پایتخت حدود ۵۵۰ تخت است که ۳۰۰ تخت در مرکز اسلامشهر (آقایان) و ۲۵۰ تخت در مرکز لویزان (خانم ها) قرار دارند. معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با تاکید بر اینکه حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از مددجویان حاضر در سامان سرای مبتلا به بیماری های عفونی هستند، گفت: سالانه تنها ۱۵۰ میلیون تومان هزینه دارو و ۱ میلیارد تومان هزینه درمان مددجویان را در سامان سرای اسلامشهر پرداخت می کنیم. شجاع پوریان تصریح کرد: هر سال حدود ۳۰ هزار مددجوی سالمند، متکدی، کارتن خواب، کودک و... از مراکز حمایتی شهرداری تهران استفاده می کنند.

را دارند - ساعت ۱۲ و نیم خودش را از ارتفاع یک پارکینگ پرت کرد پایین. هشت ساعت بعد از او، یک دختر ۱۳ ساله در خانه خودش نشان، خودش را حلق آویز کرد؛ والدینش می گویند با هم هیچ مشکلی نداشتند. پس باید این وسط دنبال برتقال فروش بگردیم برای این که احتمالاً جز او مقصری وجود ندارد. صبح روز بعدش هم یک پسر ۱۴ ساله، با بلعیدن قرص برنج تکلیف خودش را از زندگی و مرگ مشخص کرد. البته این جا برتقال فروش پیدا شده: عطاری که قرص برنج را به پسر ک فروخته، متهم است. می بینید؟ با این که خیلی دوست داریم حرف شمارا که برای ما مثل پدر هستید، گوش بدهیم و نگران نباشیم، اما اوضاع شهر، و کوچ و خیابان هایش طوری است که مدام احساس اضطراب می کنیم. ماهم مثل شما از سیاه نمایی بدمان می آید؛ دل مان برای خبر های خوش برای دعوت به یک جشن تولد یا یک عروسی

لک زده است. دل مان یک دور همی شادی خواهد انباشته از بی خیالی، بدون بحث سیاسی و تحلیل اقتصادی. اما این روزها نه کسی تاریخ تولد کسی را به خاطر دارد و نه کسی از دواج می کند. دور همی ها هم که خیلی گران شده اند؛ مثل همه چیز که خیلی گران شده اند. باور کنید آقای رئیس جمهور، این ها اصلا سیاه نمایی نیست، واقعیت هایی است که مدام ما از آن ها فرار می کنیم و مدام آن ها از ما جلوی می زنند. ما هم دوست نداریم خبر های بد بشنویم. حتی از باز نشر خیلی از اخبار خودداری می کنیم و در باره اش با کسی حرف نمی زنیم، اما زور خبر های بد و اتفاقات ناگوار از ما بیشتر است. باز با تمام این تفاسیل اگر شمایی فرمایید نگران نباشید؛ چشم. نگران نمی شویم. اما برای این کار نه باید تلویزیون تماشا کنیم، نه روزنامه بخوانیم و نه سرعت کانال های خبری و خبر گزاران را برویم و نه به فیش حقوق مان نگاه کنیم و نه به فروشگاه و خرید برویم. ما فقط این طوری می توانیم نگران نباشیم.

اگر شما می فرمایید، چشم!

در حالی که هر کدام از ما سرمان گرم چیزی است که نه دوستش داریم و نه دل خوشی نسبت به آن. ببینید آقای رئیس جمهور، هر چه قدر هم پدرها و مادرها، به بچه ها دلگرمی بدهند، باز بچه ها، با دیدن اوضاع به هم ریخته خانه و نه... اصلاً چرا این قدر بیچسبیده اش کنیم، با همان تنفس اتمسفر و حضور در فضای خانه، عمیقاً احساس می کنند که اوضاع خوب نیست و این «نگران نباشید» ها یعنی این که دقیقاً یک چیزی این وسط هست که باید نگرانش بود، منتها بزرگ ترها دارند از ما پنهانش می کنند. همین دیروز که از خواب بیدار شدیم و از خانه زدیدم بیرون، تاشب که به خانه برگردیم، سه نفر خودکشی کردند: یک دختر جوان که دانشجوی زبان فرانسه در دانشگاه تهران بود - رشته و دانشگاهی که خیلی ها آرزو و رویایش